ترامپ عربستان را زرادخانه تسلیحات امریکایی می‌کند

ماه عسل خطرناک‌ترین زوج سیاسی جهان در ریاض

دورنما
روح‌الله صالحی

سفر رئیس‌جمهور امریکا به عربستان و اراضی اشغالی جدا از اینکه قصد دارد به ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران و تبدیل عربستان به زرادخانه تسلیحاتی در خاورمیانه ختم شود، به تغییرات ژئوپلتیکی منطقه و نزدیکی اعراب و اسرائیل در بلندمدت منجر خواهد شد.

این روزها مقامات سعودی سرگرم استقبالی پرهزینه از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا هستند. استقبالی که برای سعودی‌ها ۶۸ میلیون دلار آب می‌خورد. به رغم انتقادها از جنایات سعودی در یمن و حمایت‌های این رژیم از تروریست‌ها در سوریه، اما ترامپ عربستان را به عنوان اولین مقصد خارجی خود انتخاب کرده است و قرار است هفته جاری در ریاض با مقامات سعودی دیدار و گفت‌وگو کند. اگر گزارش خبرگزاری رویترز را در نظر بگیریم، این هفته دو تن از خطرناک‌ترین سیاستمداران جهان یعنی ترامپ و محمد بن سلمان جانشین ولیعهد عربستان در ریاض گردهم می‌آیند و تصمیم‌های سیاسی آنها می‌تواند معادلات جدیدی را در خاورمیانه ایجاد کند. ترامپ بلافاصله پس از عربستان به سرزمین‌های اشغالی سفر خواهد کرد که بیانگر تغییرات جدیدی در ژئوپلتیک منطقه است. مقامات کاخ سفید هدف اصلی از این سفر را مقابله با تروریسم داعش و ایران عنوان کرده‌اند اما با درنظر گرفتن حمایت‌های تسلیحاتی و مالی اعراب و امریکا از تروریست‌ها در منطقه، تقابل با ایران و جلوگیری از نفوذ این کشور در منطقه به عنوان محور اصلی گفت‌وگوهای مقامات سعودی و صهیونیستی با ترامپ است.

■ تقویت زرادخانه عربستان

بدون تردید هدف اصلی سفر ترامپ به عربستان، تقویت همکاری‌های نظامی واشنگتن- ریاض است و به گفته منابع امریکایی قرار است در این سفر قرارداد ۱۰۰ میلیاردی فروش سلاح به عربستان امضا شود که در پروسه ۱۰ ساله این رقم به ۳۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. فروش این حجم از سلاح که یک بسته کامل از تجهیزات هوایی، دریایی و زمینی را شامل می‌شود بزرگ‌ترین قرارداد نظامی تاریخ امریکاست که می‌تواند عربستان را به انبار باروتی در منطقه تبدیل کند. این درحالی است که حملات ظالمانه عربستان سعودی و متحدانش به مردم بی‌گناه یمن، داد نهادهای حقوق بشری را درآورده اما حکام سعودی بدون توجه به انتقادهای بین‌المللی با باج‌های چند ده میلیارد دلاری در پی تقویت زرادخانه‌های تسلیحاتی خود هستند و باتوجه به سودهای سرشاری که از طریق این تجارت پرفروش نصیب کارخانه‌های تسلیحاتی امریکا می‌شود، واشنگتن را مجاب کرده تا حمایت نظامی از سعودی‌ها را ادامه دهد. به رغم کسری بودجه عربستان سعودی در سال‌های اخیر، اما این رژیم در باج دادن و خوش‌خدمتی به ارباب امریکایی‌اش از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و برای جلب توجه دولتمردان امریکایی و همسو کردن واشنگتن با سیاست‌های منطقه‌ای خود میلیاردها دلار هزینه می‌کند. سیاست ایران‌هراسی و بزرگ‌نمایی تهدید ایران که اخیراً محمد بن سلمان مدعی شده است، فرصتی برای تقویت حس نیاز و وابستگی امنیتی عربستان به امریکا و متقاعد کردن آل سعود به خرید تسلیحاتی بیشتر از امریکاست. این میزان فروش سلاح پیشرفته به عربستان در چارچوب سیاست امریکا برای تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع رژیم‌های صهیونیستی و عربستان انجام می‌شود. امضای چنین قرارداد تسلیحاتی به نوعی در چارچوب دکترین نظامی ترامپ قابل بررسی است که بارها در کمپین‌های انتخاباتی گفته بود متحدان امریکا باید هزینه حمایت واشنگتن از امنیت آنها را بپردازند و اخیراً گفته امریکا به خاطر حمایت از عربستان هزینه‌های زیادی را متحمل شده است. لذا عربستان برای اینکه حمایت واشنگتن را پشت سر خود داشته باشد، درصدد است با ولخرجی‌های گسترده و انداختن فرش قرمز برای ترامپ برنامه‌های مخربانه خود در منطقه را بدون مخالفت‌های غربی ادامه دهد. گفته می‌شود سعودی‌ها برای استقبال از ترامپ ۶۸ میلیون دلار هزینه کرده‌اند و این در شرایطی است که ۶۰ درصد مردم عربستان به خاطر سیاست‌های ریاضتی رژیم، در تأمین مواد غذایی و دارویی تحت مضیقه هستند. از سوی دیگر، سفر ترامپ به عربستان به اختلافات موجود در خاندان حکومتی این کشور نیز مربوط می‌شود. این سفر دقیقاً دو ماه پس از سفر محمد بن سلمان به واشنگتن انجام می‌شود که گفته می‌شود در آن سفر بن سلمان در ازای جلب حمایت واشنگتن از پادشاهی خودش، ۵۶ میلیون دلار رشوه به دولت ترامپ پرداخت کرده است. از این رو، به نظر می‌رسد در سفر ترامپ به ریاض این مسئله نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین ترامپ که یکی از موضوعات سیاست خارجی خود را حل قضیه فلسطین اعلام کرده، در پی این است با ایجاد نزدیکی بین اعراب و رژیم صهیونیستی این مسئله را حل کند. باتوجه به نفوذی که عربستان در بین کشورهای عربی دارد ترامپ بر این باور است از طریق سعودی این مسئله را فیصله دهد.

■ تشکیل ناتوی عربی

موضوع دیگری که در سفر ترامپ به منطقه در کانون توجهات قرار گرفته، تشکیل یک ائتلاف نظامی منطقه‌ای است تا بتوانند در مقابل تهدیدات ادعایی از سوی ایران مقابله کند. منابع صهیونیستی مدعی شدند که ترامپ در جریان سفر به عربستان، تشکیل «ناتوی عربی- سنی- اسلامی» را اعلام خواهد کرد. استراتژیست‌های دولت ترامپ تشکیل یک ناتوی عربی با همراهی اسرائیل را برای مقابله با آنچه بحران‌های خاورمیانه نامیده‌اند، طراحی کرده‌اند. پیش از این جیمز ماتیس، وزیر دفاع امریکا با سفر به عربستان مقدمات تشکیل چنین ائتلافی را فراهم کرده بود. بر اساس این طرح، عملاً وظیفه اصلی مقابله با دشمن مشترک به متحدان منطقه‌ای امریکا واگذار می‌شود. امریکا و متحدان عربی و صهیونیستی آن در مقابله با نفوذ ایران وجه اشتراک دارند و همین مسئله سبب نزدیکی هرچه بیشتر آنها شده است و لفاظی مقامات سعودی و صهیونیستی علیه ایران و تهدید خواندن آن برای صلح منطقه، حاکی از این است که اتحاد استراتژیکی بین اعراب و اسرائیل در مقابل ایران در حال شکل گرفتن است. از طرفی، باتوجه به عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل، ترامپ تلاش خواهد کرد شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس را به برقراری روابط آشکار با اسرائیل تشویق کند. در صورتی که اعراب به سمت توسعه روابط با رژیم صهیونیستی پیش بروند، آرمان آزادی فلسطین و حل مناقشه ۷۰ ساله اعراب و اسرائیل به حاشیه رانده خواهد شد. تمامی تحرکات سعودی‌ها در جهان در ارتباط با ایران، معطوف به نقش و نفوذ تهران در منطقه است. عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس پس از بحران سوریه و به ویژه پس از توافق هسته‌ای ایران، تمام تلاش خود را برای مقابله با ایران در منطقه متمرکز کرده‌اند درصدد هستند با جلب نظر ترامپ برنامه‌های خود در سوریه و یمن را به پیش ببرند. عربستان و امریکا تلاش می‌کنند در مورد سوریه اجماع و توافق ایجاد کنند. آنها نمی‌خواهند اوضاع به این صورتی که هست در سوریه باقی بماند و روسیه و ایران ابتکار عمل تحولات میدانی را در دست بگیرند که در این صورت همه رؤیاهای جبهه عربی- غربی و تمام هزینه‌هایی را که در حمایت از تروریست‌ها در سال‌های اخیر متحمل شده‌اند، بر باد خواهد رفت، لذا تلاش می‌کنند مانع تحقق چنین برنامه‌ای شوند.

■ هماهنگی در یمن

سفر ترامپ به عربستان در برهه‌ای انجام می‌شود که جنگ یمن به مرحله حساسی رسیده و باتوجه به جنایات سعودی و محاصره اقتصادی یمن، مردم بی‌گناه این کشور در وضعیت فاجعه‌باری به سر می‌برند و شیوع بیماری‌های واگیردار در کنار کمبود مواد غذایی و دارویی بر عمق فاجعه انسانی در این کشور افزوده است. گفته می‌شود هدف از سفر ترامپ به ریاض و تل‌آویو برای بررسی نهایی پرونده جنگ در سواحل غربی یمن صورت می‌گیرد و تحرکات اخیر واشنگتن در بحران یمن نیز به خوبی گویای این حقیقت است. در مقابل، ارتش و کمیته‌های مردمی یمن نیز تحرکات نظامی متعددی در سواحل غربی یمن دارند. سفرهای اخیر مقامات ارشد امریکا به خاورمیانه به ویژه ریاض، همزمان با تشدید تحرکات نیروهای امریکایی در سواحل غربی یمن، می‌تواند نگران‌کننده باشد. سعودی‌ها که در دو سال گذشته با حملات گسترده به یمن نتوانستند موفقیتی کسب کنند و از سودای اشغال تمامی خاک یمن سرخورده شده‌اند دنبال راه‌های جایگزین برای پایان دادن به بحران یمن هستند. یکی از راه‌های جایگزین تقسیم یمن به دو بخش شمالی و جنوبی است و در این میان به حمایت واشنگتن و موافق دیگر کشورهای عربی نیاز دارد و می‌توان گفت که سفر ترامپ برای ترسیم مرزبندی‌های جدید و تغییر ژئوپلتیک در منطقه با تأکید بر بحران‌های سوریه و یمن انجام می‌شود. در پایان خاطر نشان می‌شود سفر ترامپ به عربستان در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است، به تغییرات ژئوپلتیکی در منطقه منجر خواهد شد. سناریوی «خاورمیانه جدید» که مورد نظر رهبران رژیم صهیونیستی است در جریان سفر ترامپ به منطقه عملیاتی خواهد شد و در پرتو آن تعامل جدیدی میان اعراب و رژیم صهیونیستی برقرار می‌شود. با عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی علاوه‌بر اینکه ائتلاف نظامی علیه ایران تقویت خواهد شد، آرمان فلسطین نیز به دست فراموشی سپرده خواهد شد و این مسئله تنها به نفع اسرائیل است و اعراب بیش از همه متضرر خواهند شد.

جمهوری‌خواهان به دموکرات‌ها ملحق می‌شوند؟

قطعات رو به تکمیل پازل استیضاح ترامپ

رویکرد
سیدرحیم نعمتی

آل گرین، نماینده تگزاس در مجلس نمایندگان امریکا، کنایه‌گویی را کنار گذاشته و می‌گوید: «رئیس‌جمهور ترامپ بالاتر از قانون نیست. وی مرتکب اقدامی شد که سزاوار استیضاح است. کاری غیر از این موجب می‌شود برخی از امریکایی‌ها احترام به هنجارهای اجتماعی و تبعیت از این هنجارها را از دست بدهند.» گرین با این حرف به جمع کوچک اما جدی نمایندگان کنگره پیوسته که خواهان استیضاح ترامپ هستند و یکی از آنها ماکسین واترز، نماینده کالیفرنیا، است. واترز یکی از کسانی بود که از ابتدای ورود ترامپ به کاخ سفید حرف از استیضاح او می‌زد و مثل آلن لیختمن، استاد تاریخ، و دیوید بروکس، تحلیلگر نیویورک تایمز، در جمع کسانی بود که انتظار نداشتند ترامپ دوره چهار ساله ریاست جمهوری‌اش را تمام کند و پیش‌بینی استیضاح او حتی در سال نخست ریاست جمهوری‌اش می‌کردند. جالب اینجاست که لیختمن از جمله معدود افرادی بود که در زمان کارزار انتخابات ریاست جمهوری پیش‌بینی پیروزی ترامپ را می‌کرد اما در عین حال می‌گفت او استیضاح خواهد شد. حالا نغمه استیضاح ترامپ به صورت جدی در میان نمایندگان کنگره و خارج از آن در میان رسانه‌ها و مردم عادی شنیده می‌شود و اگر وضع به این منوال پیش برود، شاید ترامپ در تاریخ امریکا تاریخ‌ساز بشود آن هم به عنوان نخستین رئیس‌جمهوری که با حکم استیضاح کنگره از کاخ سفید اخراج شد.

■ پرونده دردسرساز

موضوع محوری همان چیزی است که قبل از پیروزی انتخابات ریاست جمهوری امریکا به عنوان یک اتهام از سوی رقیب انتخاباتی‌اش، هیلاری کلینتون، و برخی از رسانه‌های همسو با دموکرات‌ها علیه ترامپ بیان می‌شد و بعد از پیروزی ترامپ در آن انتخابات هم گریبان او را رها نکرد و هر چه گذشت ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد. هیلاری در مناظرات انتخاباتی سعی داشت تا بر رابطه ترامپ با روسیه انگشت گذاشته و او را عروسک کرملین معرفی می‌کرد و شبیه این اتهامات هم دیگر دموکرات‌ها مطرح می‌کردند اما به نظر می‌رسد دموکرات‌ها در پی‌گیری این اتهامات تنها نبودند. روزنامه انگلیسی گاردین در بررسی این موضوع از مخالفان جمهوری‌خواه ترامپ می‌گوید حدود دو سال قبل شرکت تحقیقاتی فیوژن جی‌پی‌اس را به کار گرفتند تا در مورد سابقه کاری و شخصی ترامپ به خصوص در ارتباط با روس‌ها تحقیق بکند. این شرکت هم یک افسر باتجربه اطلاعاتی بریتانیا به نام کریستوفر استیل را به کار می‌گیرد که زمانی مسئول بخش روسیه در MI۶ بوده و ارتباطات قوی با منابعی در داخل روسیه دارد. استیل با این ارتباطات توانست اطلاعاتی را به دست بیاورد که اغلب منابع آن روسی بودند و شامل روابط ویژه ترامپ با روس‌ها در زمینه‌های مختلف و حتی رفتار غیراخلاقی او در روسیه می‌شد که در هتل مشهور ریتزکارلتون مسکو انجام داده بود. مشکل کار اینجا بود که اکثر این اطلاعات و در واقع، اتهامات وارد شده بر ترامپ در حدی نبودند که قابل اثبات باشند اما جدیت قضیه در آن حد بود که جان مک کین، سناتور جمهوری‌خواه ایالت آریزونا، از جیمز کومی، رئیس وقت پلیس فدرال امریکا یا اف‌بی‌آی، بخواهد این پرونده را پیگیری بکند و کومی هم به دلیل حساسیت قضیه مجبور شد خلاصه‌ای از پرونده را به باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق امریکا، و شخص ترامپ بدهد.

■ قربانی‌های پرونده

ترامپ با عناوینی مثل «اخبار جعلی»، «مسائل ساختگی»، «چرند» و «اقدامات افراد بیمار در میان مخالفان سیاسی» به جنگ پرونده فیوژن جی‌پی‌اس و حامیان آن رفت اما این نحو سر و صدا تأثیری بر میراث‌داران جنگ سرد در واشنگتن نداشت. در واقع، سر و سر داشتن با کرملین گناه نابخشودنی در واشنگتن است که مهم‌ترین میراث به جا مانده از جنگ سرد بوده و وقتی که پای رئیس‌جمهور امریکا در میان باشد، این موضوع هم جدیت و هم پیچیدگی خاصی دارد و نمی‌تواند بدون قربانی تمام شود. روشن است که این قربانی نمی‌تواند ترامپ به عنوان مهره اصلی ماجرا باشد چراکه مقام ریاست جمهوری جایگاهی به او می‌دهد که باید فرد دیگری جور رابطه‌اش با روس‌ها را بکشد و این فرد کسی نبود جز مایکل فلین که به عنوان مشاور امنیت ملی تازه کار خود را شروع کرده بود. گویا فلین در زمان کارزار انتخاباتی ترامپ تماس‌هایی با سرگئی کسیلیاک، سفیر روسیه در امریکا، برقرار کرده بود و همین قدر هم برای قربانی کردن او در پرونده ترامپ کافی بود چراکه چنین تماس‌هایی از سوی یک شهروند عادی در قوانین امریکا جرم محسوب می‌شود. شاید قربانی شدن فلین می‌توانست نقطه ختمی برای پرونده ترامپ در اف‌بی‌آی باشد اما مسئله رابطه او با مسکو چیزی نبود که بتوان تنها با دادن یک قربانی رفع و رجوع کرد و این موضوع بعد از دیدار ترامپ با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، و طرح شایعاتی مبنی بر دادن اطلاعات محرمانه مربوط به داعش به لاوروف، جدیت دیگری پیدا کرد. در این میان، کومی که از زمان اوباما پرونده فیوژن را به دست گرفته بود، ادامه کار را در نظر داشت و به نظر می‌رسد که احضارهای او به کاخ سفید و گفت‌وگوهای محرمانه‌اش با ترامپ هم برای پایان دادن به تحقیقات نتیجه‌بخش نبوده که ترامپ در یک اقدام غیرمنتظره حکم اخراج او را از اف‌بی‌آی صادر کرد. حکم اخراج کوتاه و تا اندازه‌ای توهین‌آمیز ترامپ آن قدر برای کومی شوک‌آور بود که در نخستین واکنش به آن گفت: «شوخی بامزه‌ای بود!» می‌توان گفت که اهل سیاست و رسانه امریکا هم به اندازه او از این حکم دچار شوک شدند و همین نیز موجب ایجاد موجی شده که حالا امثال گرین و واترز بر آن سوار شده تا دست‌کم طرح استیضاح ترامپ را در کنگره بر سر زبان‌ها بیندازند و به این وسیله راه اجرایی شدن این طرح را هموار کنند.

■ مقدمات استیضاح

به نظر می‌رسد بعد از حکم ترامپ و اخراج ناگهانی کومی، صورت مسئله در پرونده فیوژن و مسائل بعدی تغییر اساسی کرده است. اگر تا پیش از این صورت مسئله مربوط به دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری و ارتباط تیم انتخاباتی ترامپ با این موضوع بود، حالا صورت مسئله محدود شده به دخالت ترامپ در تحقیقات اف‌بی‌آی در این زمینه و اینکه او قصد اخلال در جریان تحقیقات داشته یا نه. نقطه محوری این موضوع همان گفت‌وگوهای محرمانه‌ای است که ترامپ با کومی در کاخ سفید داشته و از زمان اخراج کومی بر سر زبان‌ها افتاده است. شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان به نقل از منابع خود گزارش داده که کومی در یادداشت‌هایش گفت‌وگو با ترامپ در روز چهاردهم فوریه را ثبت کرده که ترامپ در آن موقع به او گفته بود: «امیدوارم به این ماجرا خاتمه بدهی.» همین قدر هم از نظر برخی از نمایندگان کنگره به معنای اخلال در جریان تحقیقات و جلوگیری از جریان قانون است که می‌تواند پای ترامپ را به استیضاح کنگره بکشاند. اشتفان گروبه، خبرنگار یورونیوز، می‌گوید صحبت از استیضاح ترامپ در واشنگتن در جریان است هر چند «بی‌سر و صدا و به صورت خصوصی. جمهوری‌خواهان هر چه بیشتر به این نتیجه می‌رسند که در آینده بر سر برخی مسائل باید معامله بکنند. من نمی‌گویم این در حال جریان است و نمی‌گویم به صورت آشکار مورد بحث قرار می‌گیرد، اما مسئله‌ای است که به آن فکر می‌کنند.» این گزارش گروبه نشان می‌دهد که حرف از استیضاح ترامپ در میان هم‌حزبی‌های جمهوری‌خواه او هم به راه افتاده و همین نیز می‌تواند موضوع را جدی کند چراکه اکثریت کنگره در دست جمهوری‌خواهان است و این اکثریت است که می‌تواند رأی به استیضاح او بدهد. کمیته اطلاعات مجلس سنا از کومی ادای شهادت را خواسته و شهادت او می‌تواند به این جریان سمت و سوی مشخصی بدهد و باعث شود که ترامپ نخستین رئیس‌جمهوری در امریکا باشد که با استیضاح کنگره از کار برکنار می‌شود یا او هم مثل ریچارد نیکسون و برای فرار از بی‌آبرویی استیضاح تن به استعفا بدهد. در هر حال، موضوع آن قدر جدی است که هیلاری کلینتون بعد از شکست از ترامپ و رفتن به حاشیه، حالا موقعیت را برای بازگشت به عرصه سیاست مناسب دیده و با راه انداختن جریان سیاسی به نام همه با هم به پیش، Onward Together، قصد سازمان دادن مبارزه با ترامپ را دارد یا شاید امید به استیضاح ترامپ دارد تا با برکناری او شانس خود را بار دیگر برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری امریکا بیازماید. در هر صورت، باید انتظار کمیته اطلاعاتی مجلس سنا و شهادتی را داشت که قرار است کومی در جلسه این کمیته ادا کند تا معلوم شود که ترامپ قصد ایجاد اخلال یا مانعی در تحقیقات او داشته یا نه تا بعد نوبت به شهادت ترامپ و در نهایت، استیضاح و برکناری او از ریاست جمهوری برسد.

ترامپ قادر به مهار بحران روسیه- امریکا نیست

رویکرد
دکتر سیدرضا میرطاهر

روابط روسیه و امریکا طی سه دهه اخیر یعنی پس از فروپاشی شوروی همواره دستخوش نوسانات زیادی بوده است. هر چند در دهه ۱۹۹۰ میلادی در دوره زمامداری یلتسین، روس‌ها نگاه خوش‌بینانه‌ای به امریکا داشتند و به‌دنبال روابط نزدیک‌تر با امریکا و همچنین اتحادیه اروپا بودند، اما با طرح مسائلی مانند گسترش ناتو به سوی شرق، اقدامات امریکا در زمینه استقرار سامانه‌های ضد موشکی در اروپا به همراه ناتو، دخالت‌های مکرر در امور داخلی روسیه به بهانه حمایت از حقوق بشر و دیگر اقدامات غیردوستانه امریکایی‌ها نسبت به روسیه به تدریج زمینه‌های واگرایی روسیه با امریکا فراهم شد. روس‌ها دریافتند که غرب به ویژه امریکا اساساً به دنبال تضعیف روسیه است و امریکایی‌ها به دلیل بیم از آینده سیاسی روسیه به‌دنبال اقدامات و تدابیری برای کاهش هر چه سریع‌تر و بیشتر زرادخانه هسته‌ای استراتژیک روسیه هستند. با این حال بحران اوکراین به‌مثابه کاتالیزوری برای وخامت روابط دوجانبه عمل کرد و شکاف‌های بی‌سابقه‌ای بین مسکو و واشنگتن را موجب شد. با افزایش این تنش‌ها، دو طرف به نوعی به نمایش قدرت در برابر یکدیگر پرداخته‌اند و در این میان امریکا بیشتر حالت تهاجمی و تهدیدکننده علیه روسیه به‌خود گرفته است. در واقع از نگاه مقامات مسکو، امریکا جنگ سرد جدیدی را علیه روسیه شروع کرده و دوباره به سیاست «مهار» Containment علیه اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد بازگشته است. به گمان آنها، حتی اگر بحران اوکراین اتفاق نمی‌افتاد، امریکا طرح‌های دیگری برای مهار روسیه فراهم می‌کرد. طی سه دهه اخیر واشنگتن تلاش کرده حوزه نفوذ خود را در دریای بالکان، منطقه قفقاز و دریای خزر توسعه دهد. از سوی دیگر، به رغم پیش‌بینی‌های قبلی، درباره احتمال بهبود در روابط امریکا و روسیه، پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری جدید امریکا، ظاهراً دولت جدید امریکا به دلایل مختلف، رویه‌ای مشابه دولت قبلی را در قبال مسکو اتخاذ کرده است. رویکرد مثبت ترامپ در قبال روسیه، با مخالفت‌های گسترده داخلی نه فقط از جانب بسیاری از جمهوری‌خواهان، بلکه از سوی دموکرات‌ها نیز مواجه شده است. همچنین اتحادیه اروپا به عنوان شریک فراآتلانتیکی امریکا، مخالف هر گونه بهبود روابط روسیه و غرب، قبل از تسلیم شدن مسکو به خواسته‌های غربی‌هاست. عملکرد دولت ترامپ در قبال روسیه در چندماه پس از روی کار آمدن وی، مشابه رویه‌ها و اقدامات دولت اوباما است و به همین دلیل چشم‌انداز بهبود روابط امریکا و روسیه نیز روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

■ سفر لاوروف

به‌رغم این اختلافات، ظاهراً روس‌ها همواره تلاش می‌کنند تا از هر فرصتی برای مذاکره با هدف بهبود روابط دو جانبه استفاده کنند. کما اینکه سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در سفری بی‌سابقه، دیداری سه روزه از امریکا از ۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت داشت. لاوروف در این سفر با رکس تیلرسون وزیر امور خارجه و دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا دیدار و درباره مسائل مورد علاقه دو کشور به ویژه بحران سوریه و آینده روابط دو جانبه مذاکره کرد. هدف از این سفر جلب حمایت امریکا برای طرح ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه عنوان شد. هر چند امریکایی‌ها ظاهراً از این طرح روسیه استقبال کرده‌اند، اما با توجه به اینکه اجرای این طرح که با ایجاد مناطق پرواز ممنوع بر فراز مناطق کاهش تنش همراه است، عملاً منجر به تثبیت حضور و تقویت موضع مسکو در بحران سوریه می‌شود، لذا بعید به نظر می‌رسد که واشنگتن در عمل حاضر به پذیرش آن باشد. ضمن اینکه اقدامات اخیر امریکا به ویژه افزایش شمار نظامیان در سوریه و عراق و مناطق مرزی این دو کشور و نیز افزایش تجهیز کردهای سوریه از سوی دولت ترامپ نشان می‌دهد که واشنگتن طرح‌های دیگری را درباره سوریه مد نظر دارد. در مقابل ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه، صراحتاً با تجهیز کردهای سوریه از سوی امریکا مخالفت کرده است. طی چهار سال گذشته که اختلافات امریکا و روسیه بر سر بحران اوکراین و بحران سوریه اوج گرفت، این اولین بار بود که لاوروف به کاخ سفید رفت. در عین حال، یکی از مسائل قابل توجهی که لاوروف در دیدار با تیلرسون مطرح کرد، تأکید وی بر لزوم معکوس کردن روند کنونی روابط دو کشور و تقویت روابط دو جانبه بود. از دیدگاه لاوروف، کاهش سطح روابط دوجانبه امریکا و روسیه در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما بنا بر دلایل مشخصی کاهش یافت. رکس تیلرسون وزیر امور خارجه امریکا نیز چند روز پس از سفر لاوروف، اظهار داشت که درباره روابط امریکا و روسیه، طیف وسیعی از موضوعات وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرد. به گفته وی، روابط امریکا با روسیه در پایین‌ترین سطح خود پس از جنگ سرد قرار دارد و سطح اعتماد میان دو کشور بسیار پایین است.

از دیدگاه تیلرسون، برای جهان، ایالات متحده، مردم امریکا و منافع امنیت ملی این کشور مفید نیست که روابط واشنگتن و مسکو در این سطح پایین باقی بماند. با توجه به حساسیت روابط دو جانبه مسکو و واشنگتن، به نظر می‌رسد جدا از موضوع رسمی سفر لاوروف به امریکا یعنی مذاکره درباره چگونگی ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه، این سفر از اهمیت نمادین زیادی با توجه به وخامت روابط دو جانبه برخوردار بود. در واقع به رغم دیدگاه مثبت مسکو درباره امکان از سرگیری روابط با امریکا، اما اکنون شواهد و روندها چیزی خلاف آن را نشان می‌دهند.

■ رویکرد امریکا

امریکا به عنوان سردمدار غرب، رویکرد خصمانه‌ای را علیه روسیه در ابعاد مختلف در پیش گرفته و اقدامات همه جانبه‌ای را برای اعمال محدودیت‌های مختلف علیه روسیه با یاری متحدان اروپایی و غیراروپایی خود صورت می‌دهد. این اقدامات، عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری و امنیتی و نظامی را دربر می‌گیرد. به ویژه در بعد نظامی امریکا به عنوان کشور اصلی عضو ناتو و در واقع سردمدار این سازمان نظامی، به‌منظور تشدید تقابل با روسیه، افزایش بودجه نظامی برای تقویت حضور نظامی خود در قاره اروپا را مد نظر قرار داده است. امریکایی‌ها پس از بحران اوکراین و تقویت حضور نظامی ناتو در شرق اروپا، همگام با شرکای اروپایی خود، به طور پیوسته به تقویت حضور نظامی در شرق اروپا و دریای سیاه ادامه داده‌اند. در عین حال واشنگتن از بعد نظامی نیز موضعی خصمانه علیه مسکو اتخاذ کرده و آشکارا چه در قالب اسناد نظامی مانند سند استراتژی نظامی ملی ۲۰۱۵ امریکا و چه به‌صورت اظهارات مقامات بلند پایه سیاسی و نظامی خود، مدام دم از جدیت تهدید روسیه علیه امریکا و متحدان اروپایی آن می‌زند. با این حال از نگاه روس‌ها اگر قرار است بهبودی در روابط دو جانبه حاصل شود، باید روابط دو کشور از سطح بسیار پایینی مجدداً آغاز شود. به عبارت دیگر لاوروف معتقد است به جای تلاش برای حل و فصل اختلافات بنیادین بین دو کشور که با گذشت زمان عمیق‌تر و دامنه‌دارتر شده است، بهتر است که مسکو و واشنگتن، توجه خود را معطوف به مسائلی کنند که از حساسیت کمتری برخوردار بوده و امکان رسیدن به دیدگاه‌های مشترک درباره آنها بیشتر است. طبیعتاً با توجه به این ملاحظه، اکنون جای بحث درباره مسائلی مانند ادامه استقرار سامانه‌های ضد موشکی امریکا در شرق اروپا یا رویکرد هسته‌ای امریکا در دوره ترامپ که کاملاً بر خلاف امنیت ملی روسیه است، نبوده و در عوض روس‌ها مایلند درباره مسائلی مانند مبارزه با تروریسم یا مسائل مربوط به حل و فصل سیاسی بحران سوریه مانند ایجاد مناطق کاهش تنش در این کشور با امریکایی‌ها مذاکره و رایزنی کنند.

■ جمع‌بندی

ساختار مستقر امریکا با رویکرد ترامپ در زمینه بهبود روابط با روسیه موافق نیست و تلاش می‌کند به هر نحو ممکن، مانع اجرای آن شود. با این حال مسکو بارها هرگونه اتهام در خصوص رابطه با ترامپ و همچنین دخالت در انتخابات ریاست جمهوری امریکا را رد کرده است. ترامپ نیز ادعای ارتباطات پنهانی با روسیه را انکار کرده است. ترامپ به‌خوبی از این مسئله آگاه است که این اتهام می‌تواند به تضعیف هر چه بیشتر موقعیت وی، به عنوان اولین رئیس‌جمهوری امریکا که با نفوذ خارجی به ریاست جمهوری رسیده تلقی شود. به نظر می‌رسد جنجال درباره تماس اعضای تیم انتخاباتی و دولت ترامپ با مقامات روسی، در ادامه تلاش مخالفان احیای روابط امریکا و روسیه برای جلوگیری از آغاز این فرایند قابل تبیین است. با این حال مقامات دولت ترامپ سعی در بی‌اهمیت جلوه دادن این مسئله دارند. کما اینکه رکس تیلرسون وزیر امور خارجه امریکا در آخرین موضع‌گیری خود در این زمینه، با بی‌اهمیت خواندن موضوع دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری این کشور، بازسازی روابط واشنگتن و مسکو را مهم‌تر از همه مسائل دانست. به ویژه اینکه یکی از قول‌های ترامپ، تلاش برای بهبود روابط واشنگتن و مسکو و حل و فصل اختلافات دو جانبه و نیز امکان همکاری دو کشور در برخی زمینه‌ها به ویژه مبارزه با تروریسم بوده است. این رویکرد ترامپ با مخالفت‌های داخلی نه فقط از جانب بسیاری از جمهوری‌خواهان، بلکه از سوی دموکرات‌ها نیز مواجه شده است. در واقع به‌رغم امید کرملین درباره بهبود روابط روسیه و امریکا در دوره ترامپ، اکنون این روابط با چالش‌ها و اما و اگرهای فراوانی مواجه شده است.